

تحلیل راهبردی سرمایه اجتماعی در ایران؛ روندها، چالش‌های امنیتی و

پیشران‌ها

بهنام لطفی خاچکی

^۱ دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان (Email: blotfi66@gmail.com)

چکیده

سرمایه اجتماعی مفهوم نسبتاً جدیدی در علوم اجتماعی است که برای توصیف روابط اجتماعی افراد ایجاد شده و به معنای مجموعه‌ای از قوانین، هنجارها، الزامات، تعهدات و اعتماد متقابل در روابط اجتماعی سطح جامعه می‌باشد. مقاله حاضر با استفاده از روش پژوهش اسنادی ضمن بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران و برشمردن ابعاد و اجزای آن، به تحلیل روند تحولات سرمایه اجتماعی در کشور طی ۵۰ سال اخیر پرداخته است. این تحقیق با معرفی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در ایران طی پنج دهه اخیر، نشان داده است افزایش آگاهی، افزایش اعتماد و افزایش مشارکت عوامل مهمی در ایجاد سرمایه اجتماعی و بهبود آن در قالب پیشران‌ها در ایران هستند. برشمردن علل ضعف سرمایه اجتماعی در ایران بخش دیگری از این پژوهش محسوب می‌شود. در پایان در کنار پیش‌بینی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران در افق ۱۴۱۴، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی رسیدن به وضعیتی مطلوب در این حوزه در افق مذکور با تأکید بر ابعاد دفاعی و امنیتی مورد بحث قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: سرمایه اجتماعی، چالش‌ها، تحلیل راهبردی، امنیت.

مقدمه

سرمایه اجتماعی، مفهومی است که در بسیاری از موارد، توسط تحلیلگران اجتماعی برای توضیح طیف وسیعی از فرآیندهای اجتماعی به کار می‌رود. اما در جامع‌ترین تعریف می‌توان گفت: «سرمایه اجتماعی، مجموعه منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان‌های اجتماعی جامعه وجود دارد و بر رشد شناختی و یا اجتماعی افراد، مؤثر است». اصطلاح سرمایه اجتماعی، به پیوندها و ارتباطات میان افراد جامعه به عنوان منبع با ارزشی اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل، موجب تحقق اهداف جامعه می‌شوند (مقتدایی، ۱۳۹۱: ۳).

سرمایه اجتماعی را می‌توان یک مفهوم مرکب دانست که دارای «ساختار»، «محتوا» و «کارکرد» است. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه، مولد است و دستیابی به اهداف را تسریع می‌بخشد. اهمیت این سرمایه، تا جایی است که آن را مکمل «سرمایه انسانی» می‌دانند و حتی از سرمایه انسانی، به عنوان ابزاری برای رسیدن به «سرمایه اجتماعی» یاد می‌کنند.

سرمایه اجتماعی بر چند تعریف، تفسیر و کاربرد مختلف استوار است. دیوید هالپرن بیان می‌دارد که محبوبیت سرمایه اجتماعی برای سیاست‌گذاران به علت حالت دوگانه این مفهوم می‌باشد که خود ناشی از «روح قوی اقتصادی آن در بیان اهمیت گروه‌ها» است. محبوبیت این مفهوم برای محققان تا حدودی به علت طیف وسیع نتایجی است که سرمایه اجتماعی می‌تواند توجیه کند. تعدد کاربردها منجر به تعدد تعاریف شده است. سرمایه اجتماعی به دفعات برای تشریح عملکرد مدیریتی برتر، بهبود بازدهی گروه‌های دارای اعمال مختلف، ارزش حاصل از پیمان‌های مصلحتی و تقویت روابط زنجیره عرضه به کار گرفته شده است.

سرمایه اجتماعی مفهوم نسبتاً جدیدی در علوم اجتماعی است و به طور خلاصه به معنای مجموعه‌ای از قوانین، هنجارها، الزامات، تعهدات، روابط متقابل و اعتماد حک شده در روابط اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و سلسله مراتب نهادی جامعه می‌باشد که اعضای آن را قادر به دستیابی به اهداف جمعی و فردی‌شان می‌سازد. (Coleman, 1990 and Narayan, 1997) در واقع سرمایه اجتماعی یک شیء واحد نیست، بلکه جنبه‌های متفاوت ساختار اجتماعی را در بر می‌گیرد که کنش جمعی و فردی را ترویج می‌کند. (Rosenfeld et al, 2001: 284) می‌توان در تعریف دیگر سرمایه اجتماعی را منابع مفید قابل دسترس برای یک کنشگر که از طریق روابط اجتماعی او حاصل می‌گردد. (Field, 2003: 23) دانست؛ حال این رابطه می‌تواند با دوستان، همکاران، همسایگان و یا خویشاوندان برقرار شود.

مفهوم سرمایه اجتماعی برای توصیف روابط اجتماعی افراد آشنا و ناآشنا ایجاد شده است و ویژگی ساختار اجتماعی است و نه ویژگی کنشگران فردی در درون ساختار اجتماعی. از منظر تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی در سطح رابطه‌ای- فردی مطرح بوده و به شبکه روابط، حمایت‌ها و منابع در دسترس اطلاق می‌شود که با سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی و دستیابی به

پیوندهای اجتماعی، بدست می‌یابد. (lin, 2001) در واقع در دیدگاه شبکه، مسئله اصلی روابط است و واحد تشکیل‌دهنده ساخت جامعه، شبکه‌های تعاملی هستند. ساخت اجتماعی به مثابه یک شبکه، از اعضای شبکه و مجموعه‌ای از پیوندها که افراد را به هم متصل می‌سازد، تشکیل شده است. اعضای شبکه می‌توانند افراد، گروه‌ها یا نهادها باشند. (Wellman, 1988) پیوندها و روابط که بحث اصلی دیدگاه شبکه‌اند، سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند که ریشه آن به ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی برمی‌گردد.

برخلاف کسانی که بر منافع عمومی ناشی از شبکه روابط اجتماعی تأکید دارند، اوزی و دانلپ سرمایه اجتماعی را ابزاری برای دستیابی به اطلاعات، تخصص و قدرت بیشتر می‌دانند. براین اساس، افراد می‌توانند به جای استفاده از سرمایه اجتماعی در جهت نفع سازمان، از آن برای پیشرفت شغلی خود استفاده کنند. تعریف نان لین از سرمایه اجتماعی جنبه فردی بیشتری دارد که عبارت است از «سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی با نیت بازگشت سود در عرصه داد و ستد». این تعریف تا حدودی در برگزیده نظرات دیگران همچون بوردیو، فلپ و اریکسون است.

هنگامی که وارد مبحث انواع سرمایه می‌شویم، زمانی آشفتنگی و پیچیدگی زیادتر می‌گردد که سرمایه اجتماعی، فرهنگی و انسانی با یکدیگر آمیخته شوند. در حالی که بین آنها مشابهت‌هایی وجود دارد؛ اما با این حال آنها متفاوت هستند. یکی از شباهت‌های آنها در این است که این اشکال سرمایه هم برآیند جمعی و هم فردی دارند. با وجود مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی بین سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی، می‌توان گفت که این سرمایه‌ها به طور کلی متفاوت از سرمایه اقتصادی می‌باشند. در حالی که موجودی‌های سرمایه‌های محیطی و فیزیکی و مالی هنگام استفاده شدن، فرسوده می‌گردند، سرمایه اجتماعی، فرهنگی و انسانی از طریق استفاده شدن، کاهش نمی‌یابند. در حقیقت آنها باعث ایجاد منابع بیشتر برای سرمایه‌گذاری‌های آینده نیز می‌شوند. (9 : spellerberg, 2001) در مقابل سرمایه اجتماعی می‌تواند به علت فقدان استفاده، کاهش یابد؛ به عبارت دیگر، عدم وجود همبستگی و کنش ارتباطی بین افراد جامعه باعث از بین رفتن سرمایه اجتماعی می‌گردد. نابردباری و روابط خصومت‌آمیز از قبیل نژادپرستی نیز می‌تواند سرمایه اجتماعی را در یک جامعه متلاشی گرداند.

برخلاف سرمایه اقتصادی که معمولاً کالای خصوصی در یک جامعه سرمایه‌داری است، سرمایه اجتماعی جنبه یک کالای عمومی را داشته، کنشگرانی که سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کنند، معمولاً فقط قسمت کوچکی از منافعشان را بدست می‌آورند (ملاحسنی، ۱۳۸۱: ۳۲). به بیان دیگر بر خلاف اشکال دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی در ساختار روابط بین کنشگران و میان کنشگران وجود دارد. اما با این حال مانند انواع دیگر سرمایه؛ سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، خاص فعالیت‌های معینی بوده و بدیلی ندارد. چرا که شکل خاصی از سرمایه اجتماعی که در کنش‌های خاصی با ارزش است، ممکن است در کنش‌های دیگری بی‌فایده و حتی ضربه‌زننده باشد. (coleman, 1994) تفاوت دیگر سرمایه اجتماعی با سرمایه انسانی این است که سرمایه

انسانی بر عامل فردی تکیه دارد، در حالی که سرمایه اجتماعی بر شبکه‌ها و روابط بین آنها متکی است. سرمایه انسانی فرض را بر منطق اقتصادی و شفاف بودن اطلاعات قرار می‌دهد، در حالی که سرمایه اجتماعی ارزیابی خود را از دیدگاه ارزش‌ها و هنجارهایی می‌نگرد که به طور اجتماعی شکل گرفته‌اند. برخلاف سرمایه انسانی که بازده را بر اساس درآمد فرد و یا سطوح بهره‌وری اندازه‌گیری می‌کند، سرمایه اجتماعی بازده را بر اساس کیفیت زندگی مورد سنجش قرار می‌دهد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۸).

تمام انواع ذکر شده سرمایه با یکدیگر وابستگی متقابل دارند و در طول زمان با داشتن درجات معینی به یکدیگر تبدیل می‌شوند. سرمایه اجتماعی نیز به عنوان ذخایری برآمده از روابط اجتماعی که کنش‌کنشگران را بارور و مستعد می‌سازد، در حکم سرمایه‌ای ارزشمند، آنها را تسهیل می‌کند. از این نظر سرمایه‌ای که کنشگران در همکاری و مشارکت با یکدیگر، آگاهی یا اعتماد بدست می‌آورند، هم مولد است و هم منبع حرکت‌دهنده کنش‌های بعدی و به همین دلیل هم «سرمایه» است.

فرانسیس فوکویاما به ارتباط سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی اشاره‌ای مستقیم دارد و یکی از راه‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را استفاده از آمارهای انحرافات اجتماعی می‌داند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۹). وی یافتن عدد مشخص و قابل قبولی برای بیان مقدار سرمایه اجتماعی را مشکل می‌داند. به نظر او شاید اطلاعاتی در مورد گروه‌ها و زیرمجموعه‌های آنها وجود داشته باشد، اما اتفاق نظر مشخصی در خصوص تفاوت‌های کیفی این اطلاعات در دسترس نیست. او برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از روش جایگزینی استفاده می‌کند. به نظر او می‌توان نبود سرمایه اجتماعی را به کمک انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه را به روشهای مرسوم اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (ملاحسنی، ۱۳۸۱).

اندیشمند دیگری که در این حوزه نظرات قابل تأملی دارد رابرت پوتنام است. او از محققین اخیر سرمایه اجتماعی است که تأکید عمده‌ای بر نحوه تاثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک مختلف دارد. وی سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. به عبارت دیگر وجود تعاملاتی که افراد را به ساختن اجتماع سوق داده، آنها را به یکدیگر متعهد می‌کند و از این طریق به کالبد اجتماعی پیوند می‌دهد و همچنین احساس تعلق، تجربه واقعی و ملموس شبکه اجتماعی، روابط مبتنی بر اعتماد و تساهل ناشی از آن، منافع عظیمی را برای افراد جامعه فراهم می‌کند.

در کل به باور پوتنام سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از ویژگی‌های زیر می‌باشد:

- وجود شبکه‌های اجتماعی: که در برگیرنده تعاملات انسانی در اجتماعات از طریق کلپ‌ها، انجمن‌ها، کلیساها و سازمان‌ها و شبکه‌های دیگر (و از جمله خانواده) می‌باشد.
- درگیری مدنی: مشارکت افراد در فرایندهای محلی و استفاده از شبکه‌های بالا.
- هویت مدنی: احساس مشارکت برابر، در درون محله‌ها.
- روابط متقابل: کمک و مساعدت متقابل میان اعضای محله‌ها.
- اعتماد متقابل: نقطه مقابل ترس. (Kirisatakis&Gamaranikow, 2004 :44)

از دیگر متفکرانی که در حوزه سرمایه اجتماعی از نظریه پردازان محسوب می‌شود جیمز کلمن است. به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی برای رشد عاطفی و فکری افراد بسیار مهم است؛ بویژه سرمایه اجتماعی مرتبط با خانواده که عبارت است از روابط بین فرزندان و والدین. این واقعیت دارد که فرزندان به شدت تحت تاثیر سرمایه انسانی خانواده قرار دارند، ولی این سرمایه انسانی ممکن است به نتایج نامطلوبی منجر شود؛ اگر والدین بخش مهمی از زندگی فرزندان به حساب نیابند یا اگر این سرمایه انسانی به صورت گسترده‌ای در کارهای بیرون از خانواده صرف شود. این بدین معنی است که اگر سرمایه انسانی والدین به وسیله سرمایه اجتماعی آنها کامل نشود، رشد فکری، شخصیتی و عاطفی اعضای خانواده با مشکل مواجه خواهد شد سرمایه اجتماعی در خانواده‌ها امکان دسترسی اعضا به سرمایه انسانی را فراهم می‌کند و به همین دلیل عدم حضور فیزیکی و کم‌توجهی والدین به فرزندان به عنوان نقص ساختاری در سرمایه اجتماعی خانواده تعبیر می‌شود و این نوع نقص اکثراً در خانواده‌های هسته‌ای عصر کنونی و خانواده‌های تک‌والدینی مشاهده می‌شود. (colman,1998 :100)

به نظر کلمن، سرمایه اجتماعی به طور خاصی از طریق پیوندهای نخستین مثل خویشاوندی بروز می‌کند. وی بیان می‌کند که ریشه‌های مؤثرترین اشکال سرمایه اجتماعی، به روابط ایجاد شده در دوران کودکی برمی‌گردد. بنابراین کلمن بر این باور است که سرمایه اجتماعی، به واسطه فرایندهایی که پیوندهای خویشاوندی را از بین می‌برند، از جمله طلاق و جدایی یا مهاجرت، تضعیف می‌شوند. وقتی که خانواده‌ها شبکه فعلی خویشاوندی، دوستی و سایر تماس‌های خود را کنار می‌گذارند، ارزش سرمایه اجتماعی‌شان کاهش پیدا می‌کند (فیلد، ۱۳۸۵: ۱۸۱). به باور کلمن در مفهوم سرمایه اجتماعی سه عنصر اساسی وجود دارد: تعهدات، انتظارات و هنجارهای همراه با ضمانت اجرایی. این سه ویژگی بیانگر این نکته هستند که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل کند. وی سرمایه اجتماعی را شامل «دانش فهم‌ها، هنجارها، قواعد و انتظارات موجود درباره الگوهای کنش متقابل» می‌داند که گروه‌ها و افراد را به سوی فعالیت‌های متناوب سوق می‌دهد.

تحقیقاتی که در ایران در حوزه سرمایه اجتماعی انجام شده، اطلاعات مفید و ارزنده‌ای را در این خصوص به دست داده است. اما با این وجود هنوز یک شاخص کمی و عددی مشخص که نشان‌دهنده میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن همچون اعتماد و مشارکت در کشور باشد ارائه نشده است. عدم وجود چنین شاخصی امکان مقایسه ایران با سایر کشورها در خصوص میزان سرمایه اجتماعی را با دشواری مواجه می‌کند. البته لازم است ذکر شود در بسیاری از کشورها نیز چنین شاخصی وجود ندارد. در واقع برخلاف برخی شاخص‌های اقتصادی همچون تولید ناخالص داخلی، شاخصی با عنوان سرمایه اجتماعی برای کشورهای مختلف از سوی مراجع رسمی بین‌المللی ارائه نمی‌شود تا امکان مقایسه دقیق کشورها از این جهت را به محققان بدهد.

به طور کلی عدم ارائه تصویر دقیق کمی و عددی از سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در ایران را می‌توان معلول سه موضوع دانست. اول اینکه مفهوم سرمایه اجتماعی ابعاد مختلفی دارد و در تحقیقات گوناگون معمولاً به بخشی از آن توجه می‌شود. دوم اینکه هرچند برخی تحقیقات تصویر جامعی از این مؤلفه ارائه داده‌اند، عدم ادامه این تحقیقات در طول چند سال، امکان مقایسه دقیق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و بررسی روند تغییرات آن در کشور را مشکل می‌سازد. سوم اینکه نتایج برخی از تحقیقات ملی در حوزه سرمایه اجتماعی که عمدتاً وابسته به یک سازمان دولتی است، انتشار عمومی پیدا نمی‌کند تا محققان بتوانند از آن استفاده کنند. در هر حال بخشی از نتایج تحقیقات مذکور در قالب مقالاتی ارائه شده است که در ادامه در مورد آن توضیح داده خواهد شد.

به طور کلی شواهد موجود در جامعه حاکی از این واقعیت است که طی چند دهه گذشته، فرسایش محسوسی در سرمایه اجتماعی موجود برای افشار مختلف جامعه بویژه جوانان، هم در درون خانواده و هم در بیرون آن، روی داده است. در خانواده، رشد سرمایه انسانی بسیار زیاد است؛ بطوری که سطح تحصیلات دائماً در حال افزایش است. اما به موازات رشد سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی که یکی از شاخص‌های آن حضور بزرگسالان در خانه و میزان گفت‌وگو در مورد موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی بین والدین و فرزندان است، کاهش یافته است (مبارکی، ۱۳۸۳: ۶). غیبت پدر از خانواده و محیط همسایگی در طول روز و غیبت مادر از خانواده و ورود او به بازار کار، مترادف با کاهش مشارکت والدین در سازمان‌های محلی نظیر انجمن اولیا و مربیان و نظایر آن بوده است. در اجتماع، میزان فرسایش و کاهش سرمایه اجتماعی به مراتب بیشتر بوده است. جامعه شدیداً در معرض تهاجم فردگرایی قرار گرفته که بر اساس آن منافع فردی بر مصالح جمعی تقدم یافته است (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۹).

شایان ذکر است سرمایه اجتماعی چند جزء و نوع اساسی دارد که در ذیل شرح آنها آمده است.

۱. سرمایه اجتماعی درون گروهی برای بیان ارزش شبکه‌های اجتماعی همگن به کار می‌رود. به عنوان نمونه، باندهای تبهکاری سرمایه اجتماعی درون گروهی ایجاد می‌کنند. این نوع سرمایه گروه‌های همجنس (ارتباطات محدود با دوستان و خانواده) را پیوند می‌زند و می‌تواند اثر منفی بر معاشرت‌پذیری اجتماعی داشته باشد.
 ۲. سرمایه اجتماعی برون گروهی (پیوندی) برای شبکه‌های ناهمگن استفاده می‌شود. برای مثال گروه‌های کر و باشگاه‌های ورزشی سرمایه اجتماعی برون گروهی ایجاد می‌کنند. سرمایه برون گروهی به عنوان پل ارتباطی گروه‌های اجتماعی گوناگون (تعامل افراد با خارج از محیط بسته) تعریف می‌شود و اثر مثبت دارد. سرمایه اجتماعی برون گروهی می‌تواند منافع متعددی برای جوامع، دولت‌ها، اشخاص و گروه‌ها داشته باشد.
 ۳. سرمایه اجتماعی شناختی (رابطه‌ای) شامل تجلیات انتزاعی‌تر سرمایه اجتماعی است که به ایجاد و تقویت وابستگی متقابل مثبت برای کنش جمعی دو طرفه می‌انجامد. شاخص‌هایی از قبیل تضاد، اعتماد عمومی و نهادی، انسجام و همبستگی، همکاری و مشارکت غیررسمی همیارانه و خیریه‌ای و مذهبی و شرکت در اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها و موسسات مدنی رسمی، آگاهی به امور عمومی - سیاسی و اجتماعی، گذشت، فرهنگ مدنی، هنجارها و ارزش‌هایی که بین اعضای یک اجتماع مشترک می‌باشد و باعث همکاری افراد آن اجتماع با همدیگر برای رسیدن به منافع مشترک می‌شود.
 ۴. سرمایه اجتماعی ساختاری (نهادی): این نوع از سرمایه شامل جنبه‌های قابل رؤیت و قابل لمس‌تر مفهوم سرمایه اجتماعی است. جنبه‌هایی از قبیل عضویت گروهی، حمایت متقابل، خدمات، نهادهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم که قادر به پیگیری اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشند. جنبه ساختاری باعث ایجاد روابط افقی و عمودی در جامعه می‌گردد و از این طریق سرمایه اجتماعی کل جامعه را تقویت می‌نماید.
- تمایز انواع سرمایه اجتماعی به ما قدرت بیشتری در درک اثرات احتمالی منفی سرمایه اجتماعی بر کل جامعه می‌دهد، اگرچه همواره دارایی ارزشمندی برای افراد و گروه‌ها به حساب می‌آید. شبکه‌های افقی شهروندان و گروه‌ها که موجب افزایش بهره‌وری اجتماع و همبستگی هستند، به عنوان سرمایه اجتماعی مثبت تلقی می‌شوند، در حالی که باندهای انحصارگرای خودمحور و ساختارهای لابی طبقاتی را که در خلاف منافع جمعی عمل می‌کنند، می‌توان سرمایه اجتماعی منفی و از معضلات جامعه نامید. با توجه به توضیحات فوق باید گفت آنچه در ایران با عنوان فرسایش سرمایه اجتماعی از آن یاد می‌شود عمدتاً مربوط به سرمایه اجتماعی برون گروهی و تا حدی سرمایه اجتماعی شناختی است. در حالی که سرمایه اجتماعی درون گروهی در ایران قدرت و قوت بیشتری نسبت به سایر انواع آن دارد که نمود بارز آن را می‌توان در خانواده‌گرایی و روابط نسبتاً قوی خویشاوندی در کشور دانست. نکته مهم اینکه حتی در این حوزه نیز با گسترش فردگرایی، شاهد کاهش چنین روابطی هستیم.

سرمایه اجتماعی در ایران با توجه به بافت تاریخی و جغرافیایی و سیاسی کشور، نوسان بسیار دارد. در برخی از شرایط خاص سیاسی و تاریخی، همدلی و سرمایه اجتماعی سیگنال‌های مثبتی از خود نشان می‌دهد. اما با توجه به این که به درستی مدیریت نمی‌شود، روند نزولی به خود می‌گیرد. آنچه که معلوم است، این می‌باشد که کشور ایران با توجه به پیشینه تاریخی و مذهبی، پتانسیل قوی برای سرمایه اجتماعی دارد؛ اما به دلیل عدم وجود مدیریت صحیح و هدایت‌کننده سرمایه اجتماعی در قرن گذشته، استفاده مناسبی از این سرمایه نشده و این امر سبب کاهش تدریجی سرمایه اجتماعی شده است (سعادت، ۱۳۸۶). علاوه بر این در ایران میان مولفه‌های متعدد سرمایه اجتماعی، میزان اعتماد به خانواده و نظام سیاسی و نیز میزان ارتباطات اجتماعی درون‌گروهی بالاست. در حوزه سیاسی میزان اعتماد به نظام سیاسی بالا، میزان اعتماد به نهادهای سیاسی متوسط و میزان اعتماد به کنشگران سیاسی پایین بوده است. همچنین میزان مشارکت مردم در حوزه‌های گوناگون اجتماعی بسیار پایین است. مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد از نظر مردم میزان ارزش‌هایی مثل صداقت، امانتداری و گذشت در بین مردم پایین است و میزان رواج ضدارزش‌هایی چون کلاهبرداری و چاپلوسی بالا است. همچنین میزان کل سرمایه اجتماعی در ایران در سالیان مختلف دچار نوسان بوده است (سیاهپوش، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۲۴).

طبق توضیحات فوق اهداف مقاله حاضر به شرح زیر است:

- ❖ تحلیل روند تحولات سرمایه اجتماعی در کشور طی ۵۰ سال اخیر
- ❖ شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در ایران طی پنج دهه اخیر
- ❖ علل ضعف سرمایه اجتماعی در ایران
- ❖ پیش‌بینی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران در افق ۱۴۱۴،
- ❖ شناسایی مهمترین چالش‌های پیش روی رسیدن به وضعیتی مطلوب با تأکید بر ابعاد دفاعی و امنیتی

روش پژوهش

تحقیق حاضر برای رسیدن به اهداف خود از روش پژوهش اسنادی استفاده نموده است. روش اسنادی به معنی تحلیل آن دسته از اسنادی است که اطلاعات درباره پدیده‌های مورد بررسی را شامل می‌شود (Bailey, 1994). با استفاده از این روش، امکان فراتر رفتن از زمان پژوهش و کاوش تفسیری درباره وقایع اجتماعی پیشین میسر می‌شود (Daymon & Holloway, 2005). این روش برای بررسی دیدگاه‌ها، نقد نظری، جمع‌آوری آرای متفکران اجتماعی، مقایسه تطبیقی رویکرد نظریه‌پردازان و بازنمایی رویکرد نظری مکاتب و پارادایم‌ها مناسب است. کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی آرا و ایده‌ها، فرایندهای عملیاتی

فنون روش اسنادی هستند. در روش اسنادی، فنون تقلیل داده‌ها یعنی طبقه‌بندی و سنخ‌شناسی ایده‌های نظری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد (McCulloch, 2005).

یافته‌ها

۱. تحلیل روند تحولات سرمایه اجتماعی در ایران طی ۵۰ سال اخیر

سرمایه اجتماعی با اینکه دارای اغتشاشات مفهومی و پیچیدگی‌های ادراکی گوناگون است، مفهومی جدید و پویا و رابطی میان شاخص‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی به حساب می‌آید. کاربرد این مفهوم در حیطه‌هایی چون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، آموزش و تعلیم، بهداشت و پایداری زیست‌محیطی، زمینه‌ساز ساخت آزمون فرضیه‌های بین‌رشته‌ای و کاربردی فراوانی شده است. حقیقتاً نمی‌توان زمان مشخصی را به عنوان مبدأ درک بشر از اهمیت سرمایه‌های حاصله از روابط اجتماعی مشخص نمود. اما صنعتی شدن، زندگی ماشینی، کاهش تعاملات اجتماعی و از خودبیگانگی، دلایلی موجه برای توجه بیشتر دانشمندان علوم اجتماعی به آثار سرمایه اجتماعی در زندگی بشری است. نگاه‌های متفاوتی نسبت به سرمایه اجتماعی وجود دارد که ریشه در تعدد رشته‌های علمی درگیر با این مفهوم است (مقتدایی، ۱۳۹۱).

بحث سرمایه اجتماعی قبل از سال ۱۹۱۶ در مقاله‌ای توسط آل جی هانیفان، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا برای نخستین بار در اشاره به همبستگی اجتماعی و سرمایه‌گذاری فردی در جامعه مطرح شد. اما علیرغم اهمیت سرمایه اجتماعی در تحقیقات اجتماعی، این مفهوم تا سال ۱۹۶۱ که توسط جین جاکوب در برنامه‌ریزی شهری به کار برده شد، شکل جدیدی به خود نگرفت. عده‌ای ریشه‌های کاربرد مدرن این مفهوم را در تحقیقات جین جاکوب در سال ۱۹۶۱ به نام «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی» می‌دانند. اگرچه وی به طور مستقیم چنین عبارتی را تعریف نکرده، اما از آن در مقاله‌ای با ارجاع به ارزش شبکه‌ها استفاده کرده است. دانشمند علوم سیاسی، رابرت سلیسبری در مقاله‌ای در سال ۱۹۶۹ با عنوان «نظریه داد و ستد در گروه‌های ذی‌نفع» معنی این عبارت را چنین بسط داده است که سرمایه اجتماعی جزئی حیاتی در تشکیل گروه‌های سودآور است.

پیر بوردیو از این عبارت در سال ۱۹۷۲ در کتاب «طرح نظریه کنش» استفاده کرد و چند سال بعد آن را از سرمایه فرهنگی، اقتصادی و نمادین متمایز ساخت. با این حال پژوهش‌سازنده‌ای که جیمز کلمن (۱۹۷۸، ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰) درباره آموزش و پرورش انجام داد و کاری که رابرت پاتنام (۱۹۹۳ و ۱۹۹۵) درباره مشارکت مدنی و عملکرد نهادی سازماندهی کرد، الهام‌بخش اکثر کارهای جاری شد. جامعه‌شناسان دیگر نیز از آن برهه زمانی برای بررسی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی در جامعه، از

این مفهوم بهره جسته و منظور آنها از سرمایه اجتماعی سرمایه و منابعی بود که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانستند به دست آورند. از آن پس نوعی وحدت حول تحقیقاتی پدید آمد، که ۹ عرصه اساسی را عملاً با یکدیگر پیوند می‌داد: خانواده و رفتار جوانان، مدرسه و آموزش و پرورش، زندگی اجتماعی (از جهات مجازی و مدنی)، کار و سازمان دموکراسی و حکمرانی، کنش جمعی، بهداشت عمومی و محیط‌زیست، جرم و خشونت، و توسعه اقتصادی.

جامعه‌شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره جسته‌اند. منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند و ارتباطات با یکدیگر می‌توانند به دست آورند. به موازات افزایش افراد و تراکم فیزیکی، روابط چهره به چهره کارکرد خود را از دست داده و جای خود را به روابط دیگری می‌دهند. در ایران که از سال‌های قبل از انقلاب روند رو به رشد شهرنشینی آغاز شد، به تدریج شاهد این موضوع بودیم. در واقع با ورود افراد به شهرها از صمیمیت روابط بین آنها کاسته شده و به لحاظ فردگرایی روند فزاینده در کشور در پیش گرفته شد. در همین راستا تحقیقاتی در کشور با موضوع سرمایه اجتماعی آغاز شد که به برخی از مهم‌ترین آنها در ۴۰ سال اخیر اشاره می‌شود.

اسدی و همکارانش پژوهش «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران» را در سال ۱۳۵۳ انجام داده‌اند. هدف اصلی این پژوهش بررسی اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در ایران بود که یکی از نتایج آن به قرار زیر است؛ افراد تحصیل کرده به نسبت ۲/۷ برابر کمتر از عامه مردم، هموطنان خود را قابل اعتماد می‌دانستند. آنها البته یکی از دلایل عدم وجود اعتماد در جامعه را فقدان امنیت و عدم توانایی جامعه در تأمین حقوق افراد می‌دانستند. این مطالعه نشان می‌داد که در ایران تنها ۵۳ درصد پاسخگویان به مردم اعتماد دارند.

دکتر منوچهر محسنی (استاد جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران) در سال ۱۳۷۵ پژوهشی با عنوان «بررسی آگاهی‌ها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران» را با هدف بررسی برخی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران انجام داده است. بطور مشخص دو متغیر روابط اجتماعی و میزان اعتماد افراد در زمینه سرمایه اجتماعی در این تحقیق مورد توجه بوده است. در بررسی فوق به طور مشخص، دو متغیر روابط اجتماعی و میزان اعتماد به هموطنان بدست آمد. به علاوه، از متغیر نگرش به هموطنان به عنوان شاخصی برای میزان اعتماد استفاده شد. در پژوهش دکتر محسنی، شکاف بین نخبگان و توده مردم در خصوص این نگرش سنجیده شده است که سطح تحصیلات عامل اصلی و تعیین‌کننده تفاوت میان نخبگان و مردم تلقی شده است. در تمام قضاوت‌های مربوط به فعال بودن، تکرر بودن، تنبل بودن، پایبند بودن به اخلاق، متقلب بودن و خودخواه بودن هموطنان، گروه تحصیل کرده نسبت به عامه مردم قضاوت منفی تری درباره هموطنان خویش داشتند.

همچنین طرح ملی «ارزشها و نگرش‌های ایرانیان» که در سال ۱۳۸۰ و تحت سرپرستی دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۲۸ استان کشور صورت گرفت، شاخص‌های خوبی برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی در ایران در اختیار

محققان قرار داد. هدف این پژوهش بررسی اعتماد اجتماعی شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در ایران بود که نتایج زیر از آن به دست آمد: در حوزه شبکه‌های غیررسمی بیشترین اعتماد معطوف به خانواده است و از این لحاظ خانواده تفاوت زیادی با سایر عناصر این شبکه نظیر خویشان و دوستان دارد. گروه‌های اجتماعی معلمان، استادان دانشگاه و پزشکان از بیشترین میزان اعتماد در نزد مردم برخوردار بوده و گروه‌های اجتماعی بنگاه‌دارها، کسبه و روزنامه‌نگاران از کمترین اعتماد اجتماعی برخوردار هستند.

پژوهش «سنجش سرمایه اجتماعی جوانان کشور» در سال ۱۳۸۶ توسط معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان انجام گردید. هدف اصلی این طرح سنجش سرمایه اجتماعی جوانان کشور با چهار مؤلفه شبکه روابط اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، فعالیت‌های گروهی و خوداثربخشی بوده است. در پی سنجش سرمایه اجتماعی جوانان کشور، پیشنهاد شده است که تلاش برنامه‌ریزی‌شده‌ای در راستای تقویت پنداشت‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به وضعیت موجود و آینده جامعه در قالب بسط نهادهای مدنی و ایجاد فرصت‌ها و بسترهای جدید، صورت گیرد. همچنین تقویت پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی و جهت‌گیری سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های معطوف به ابعاد ضعیف‌تر، تقویت پیوند میان عناصر سنتی حمایت اجتماعی و عناصر مدرن روابط انجمنی و مشارکت با برنامه‌ریزی خردمندان و تقویت سرمایه اجتماعی جدید، به عنوان پیشنهاد در این پژوهش طرح شده‌اند.

پژوهش «میزان سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی»، با هدف سنجش میزان شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد به دیگران، مناسبات اجتماعی، فعالیت‌های نوع‌دوستانه و داوطلبانه و شبکه‌های مشارکت) در ۶ مرکز استان شامل تهران، تبریز، اهواز، یزد، مشهد و رشت که توسط موسسه کنشگران داوطلب در سال ۱۳۸۴ انجام گرفت به این نتایج دست یافت: ترتیب شهرها بر حسب میزان اعتماد به دیگران در رتبه اول تبریز، سپس اهواز، مشهد، یزد، رشت و تهران؛ بر حسب میزان مناسبات اجتماعی در رتبه اول اهواز، بعد یزد، تبریز، رشت، تهران و مشهد؛ بر اساس فعالیت‌های نوع‌دوستانه و داوطلبانه در رتبه اول تبریز، دوم مشهد، یزد، اهواز، تهران و رشت؛ بر اساس شبکه‌های مشارکت اول اهواز، و به ترتیب تبریز، رشت، یزد، تهران و مشهد. به طور کلی ترتیب شهرها بر اساس سرمایه اجتماعی به ترتیب شهرها شامل اهواز، تبریز، یزد، مشهد، رشت و تهران بوده است. به عبارت دیگر پایتخت ایران تهران دارای کمترین میزان سرمایه اجتماعی بوده است.

پژوهش «بررسی سرمایه اجتماعی در ایران و راه‌های ارتقاء آن» که در سال ۱۳۸۴ توسط سید احمد فیروزآبادی در شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده است دارای این اهدافی چون چگونگی سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی، شرح و بسط چگونگی وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور و راه‌های ارتقاء آن و مقایسه با سایر کشورها بود. نتایج به دست آمده نشان داد تعهد دینی، همبستگی مستقیم و مثبت بر سرمایه اجتماعی در ابعاد ذهنی - شناختی یعنی اعتماد عمومی و نهادی و در ابعاد رفتاری -

مشارکتی، انواع مشارکت رسمی و غی رسمی دارد. تحصیلات نیز از سایر عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی می‌باشد و رابطه آن با عناصر مفهوم سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد عمومی، نهادی، آگاهی و توجه و مشارکت رسمی همبستگی معنادار مستقیم است. مشارکت رسمی یکی از اعضای خانواده نیز با سرمایه اجتماعی رابطه معنادار و مثبت دارد. غیرمهاجرین، نسبت به مهاجرین از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند. مردان، به نسبت زنان از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند و آگاهی و توجه و مشارکت‌های رسمی مردان به طور معناداری از زنان بیشتر می‌باشد.

خانم دکتر شینایی و آقایان دکتر محمد عبداللهی، دکتر پرویز پیران، دکتر سعید مدنی و دکتر میرطاهر موسوی پژوهش‌سنجش سرمایه‌ی اجتماعی را در سال ۱۳۸۶ انجام داده‌اند. لازم به ذکر است در ماده‌ی ۹۸ قانون برنامه چهارم توسعه، «حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی» از وظایف دولت شمرده شده است. بنابراین دولت مکلف می‌شود طی سال اول برنامه چهارم، اقداماتی شامل تهیه سازوکارهای سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی، ارائه گزارش سالانه سرمایه اجتماعی کشور و علل و عوامل تأثیرگذار بر آن و تسریع سازوکارهای لازم جهت افزایش سرمایه اجتماعی را به انجام رساند. لذا این پژوهش در این راستا و در پاسخ به پرسش‌های ۱- وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در ایران چگونه است؟ و ۲- برای گذار از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب چه فرایندی را باید طی کرد؟ و با اهداف ۱- ساخت ابزار مناسب جهت سنجش سرمایه اجتماعی، ۲- بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌ها، ۳- شناخت مؤلفه‌های وضعیت سرمایه اجتماعی در سطح کشور و ۴- شناخت عوامل اثرگذار بر وضعیت سرمایه اجتماعی انجام شد. جامعه آماری این تحقیق را ساکنین ۱۵ سال به بالای خانواده‌های ۳۰ استان کشور در سال ۱۳۸۵ تشکیل می‌دادند که تعداد ۱۲۰۰۰ نفر در سطح کشور به عنوان نمونه، مورد بررسی قرار گرفتند.

۲. معرفی مهمترین عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در ایران طی ۵۰ سال اخیر

مشکلات اجتماعی در یک کشور نشانه‌ای از نبود سرمایه اجتماعی است و معنی ضمنی افزایش آنها، کم شدن آن نوع از روابط و مناسبات اجتماعی است که ذخیره و سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند، سرمایه‌ای که اگر وجود می‌داشت یا میزان آن به حد مطلوبی در جامعه جریان داشت، قادر بود کنش‌ها را در زندگی اجتماعی بارور، مستعد و توانا سازد.

همانطور که تأکید می‌شود، سرمایه اجتماعی در کنار بُعد ذهنی، یک بُعد عینی نیز دارد. به نظر می‌رسد در ایران بُعد عینی سرمایه اجتماعی، اهمیت بیشتری نسبت به بُعد ذهنی آن دارد. بنابراین در مقام بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی و پیشران‌های آن در ایران نیز باید به این بُعد توجه بیشتری داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز تغییر و تحولات گسترده در ساختارهای سیاسی و اقتصادی، میزان مشارکت مردم و اعتماد متقابل دولت و مردم به شدت افزایش یافت. به عبارت دیگر می‌توان یکی از نتایج بزرگ پیروزی انقلاب را که خود بر اساس سرمایه

اجتماعی شکل گرفت، تقویت سرمایه اجتماعی در عرصه سیاسی و اقتصادی کشور دانست. اما برخی سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌های بعد از انقلاب علی‌رغم دنبال کردن اهداف مثبت، آثار منفی بر سرمایه اجتماعی گذاشته‌اند. بگونه‌ای که امروزه اعتمادی که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی مورد انتظار است مشاهده نمی‌گردد.

می‌توان گفت عوامل مهمی در ایجاد سرمایه اجتماعی و بهبود آن در قالب پیشران‌ها در ایران نقش دارند که باید آنها را شامل موارد زیر دانست:

۱. افزایش آگاهی: زمانی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی جامعه آگاه نمی‌شوند، از اجتماع خود دور هستند و بنا بر این، شناخت کافی از مسائل و نیز قدرت انتخاب و فرصت مشارکت در تصمیم‌گیری کلان جامعه خود را ندارند. بدین ترتیب، توسعه جامعه، عملاً غیرممکن می‌شود.
۲. افزایش اعتماد: زمانی که اعتماد در جامعه بالا باشد، اساس سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود؛ اما در صورت پایین بودن این اعتماد، شکل‌گیری توسعه اجتماعی، غیرممکن خواهد بود. عدم اعتماد نیز می‌تواند ناشی از دو عامل باشد؛ سابقه نامطلوب اقدامات نهادهای اجتماعی و نخبگان و دولت‌مردان و یا فقدان اعتماد جامعه به توانایی‌های خودش.
۳. افزایش مشارکت: با مشارکت افراد جامعه در سرنوشت خود و کلیه امور مربوط به خود، سرمایه اجتماعی پدید می‌آید. افراد، با چنین اقداماتی، به پیشرفت و توسعه جامعه کمک می‌کنند و اگر این سرمایه اجتماعی افزایش یابد، توسعه اجتماعی- فرهنگی کشور نیز به تدریج اتفاق می‌افتد.

در حالت کلی، متغیرهای سن، تحصیلات، تاهل، شاغل بودن و درآمد به جز با عنصر اعتماد با سایر عناصر سرمایه اجتماعی اعم از آگاهی و توجه به امور عمومی، مشارکت‌های رسمی و غیررسمی رابطه مستقیم دارد. مردان در آگاهی و توجه به امور عمومی و مشارکت رسمی نقش بیشتری نسبت به زنان دارند و مشارکت غیررسمی زنان بیشتر می‌باشد و در میزان اعتماد تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود (ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۶۰-۱۹۰). همچنین میزان دینداری، سطح تحصیلات، وضعیت طبقاتی و سن افراد از جمله مهم‌ترین عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی بوده است (سیاهپوش، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

در ایران که کشوری خانواده‌محور است و این نهاد هنوز قوت و تأثیرپذیری عمیق خود را بر اعضاء تا حدی حفظ کرده است، باید یکی از عوامل اصلی گسترش سرمایه اجتماعی افراد را در والدین و خویشاوندان جستجو کرد. در واقع تقویت بنیان خانواده، تأکید بر پیوندهای خانوادگی و ایجاد ارتباط مستحکم بین اعضای خانواده، می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه منجر شود. البته باید توجه داشت که حتی با حضور فیزیکی اعضای خانواده در کنار هم، این احتمال وجود دارد که فقدان سرمایه اجتماعی در خانواده به وجود بیاید. اگر به هر دلیلی روابط قوی بین والدین و فرزندان وجود نداشته باشد، در این صورت میزان سرمایه

اجتماعی در خانواده کاهش می‌یابد و این یعنی اینکه هر نوع سرمایه انسانی هم که در والدین وجود داشته باشد، فرزندان به دلیل فقدان سرمایه اجتماعی از آن بی‌بهره خواهند بود. به عقیده برخی نظریه‌پردازان فقدان سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیرات منفی بر فرزندان بگذارد. فرزندان که در خانواده‌های اجتماعی سطح پایین زندگی می‌کنند، هم از لحاظ سطح فکری و هم از بعد شخصیتی و عاطفی دچار مشکل خواهند شد؛ مشکلاتی که در آینده می‌تواند آنها را به سوی انواع آسیب‌ها و کجرفتاری‌های اجتماعی سوق دهد.

از نگاهی دیگر و با توجه به نقش اعتماد اجتماعی در این حوزه، باید گفت ایجاد همسویی بین مردم و نظام اسلامی می‌تواند از عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی باشد. به بیان دیگر با افزایش اعتماد مردم به نظام، اعتماد آنها به بسیاری از نهادهای دولتی نیز بیشتر شده و بنابراین موضوع فوق‌الذکر باعث تقویت بخشی از سرمایه اجتماعی در بین آحاد جامعه می‌شود.

در ادامه باید ذکر کرد رشد ضعیف سرمایه اجتماعی در ایران می‌تواند ناشی از موارد زیر باشد:

۱. وجود سطح بالایی از سرمایه اجتماعی پیونددهنده «درون گروهی» و تنزل سرمایه اجتماعی متصل‌کننده «برون گروهی»،

شاید بتواند تبیین‌کننده میزان پایین اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه باشد. به طوری که در پیمایش‌ها و پژوهش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی، هرچه از خانواده و گروه‌هایی مانند اقوام، دوستان و همسایگان دورتر شویم، حلقه اعتماد تنگ‌تر می‌شود. همچنین هرچا گروه‌های شغلی در پی منافع شخصی خود بوده و وظایف شغلی در چارچوب قوانین و اصول اخلاقی انجام نگیرد، از اعتماد کمتری برخوردار بوده‌اند.

۲. همچنین از دیگر دلایل عمده عدم رشد سرمایه اجتماعی در ایران معاصر این بوده است که محور برنامه‌های کلان کشور را

بر ابعاد سخت‌افزاری توسعه متمرکز کرده‌اند. تحلیل برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه‌ریزی‌های بعد از انقلاب، نشان‌دهنده عدم توجه به ابعاد اجتماعی توسعه است. محور برنامه‌های مذکور عمدتاً الگوی روستویی بوده که بر رشد اقتصادی و افزایش درآمد ملی تأکید دارد.

۳. فرایند توسعه در همه ابعاد آن خصوصاً در بعد اجتماعی به معنایی که از دهه ۱۹۹۰ میلادی رایج شده، در جهت مشارکت

آحاد مردم در امور جامعه، پذیرش حقوق آنان و ... مطرح می‌شوند. بدین گونه توسعه‌ی اجتماعی در جهت رفع تبعیض و ایجاد فضای اجتماعی مناسب برای بروز توانائی‌های بالقوه انسان‌ها گام برمی‌دارد. این موضوع بی‌تردید در جامعه امروز ایران که شاهد نمودهایی از سیر نزولی در برخی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستیم، اهمیتی بسزا دارد. جامعه ایران در سال‌های گذشته تحولات ساختاری همه‌جانبه‌ای را تجربه کرده است. این تحولات، دگرگونی در ساز و کارهای اداره جامعه را الزامی ساخته است. هر چند پیشرفت‌های فراوانی در همه عرصه‌ها داشته‌ایم و نرخ رشد برخی از شاخص‌ها را می‌توان دلگرم‌کننده و نشان‌دهنده چشم‌اندازی روشن از روند توسعه انسانی و اجتماعی در کشور دانست، اما نکته مهم این است که از یک سو

سیر صعودی شاخص‌ها در قیاس با برخی کشورهای هم‌ردیف کمتر است و از سوی دیگر به سبب توزیع نامناسب امکانات و منابع توسعه در بدنه جامعه، شکاف میان فقیرترین و غنی‌ترین استان‌ها به گونه نسبی همچنان ادامه دارد. پیامد برخی از نابرابری‌های اجتماعی و فضایی در استان‌ها عبارت است از مهاجرت‌های گسترده و بازنگشتن دانش‌آموختگان به زادگاه‌های محروم خود. همچنین افرادی که از مناطق محروم به استان‌های برخوردار مهاجرت کرده‌اند، از سطح تحصیلات و مهارت بالایی برخوردار بوده‌اند که اینجا می‌توان این فرض را مطرح نمود که این نیروهای کوچیده، از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. همچنین عدم توجه به سرمایه اجتماعی در برخی مناطق و حتی در سطوح ملی، مانع از ایجاد جو اعتماد دوجانبه گردیده و منجر به ائتلاف نیروی انسانی و انرژی اجتماعی شده که در این رابطه می‌توان برای نمونه به عدم پیوستگی نخبگان قومی و محلی با نخبگان مرکزی و ملی اشاره نمود.

از نگاهی دیگر می‌توان پیشران‌های اثرگذار بر سرمایه اجتماعی را به عوامل بیرونی و درونی تقسیم کرد. منظور از عوامل درونی آن دسته از اتفاقاتی است که در درون مرزهای کشور رخ می‌دهد و به تبع آن در میزان و گستره سرمایه اجتماعی تغییراتی بوجود می‌آید. اما منظور از عوامل دورنی موضوعاتی است که به واسطه نفوذ افراد و یا گروه‌هایی خارج از مرزها، سرمایه اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از بین عوامل درونی باید به نقش دولت و جامعه مدنی اشاره کرد. همچنین مهم‌ترین عوامل بیرونی را می‌توان برخی سازمان‌های غیردولتی (NGO)، سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، احزاب، اصناف و گروه‌های قومی دانست. این گروه‌ها معمولاً باعث رشد سرمایه اجتماعی منفی شده و عामدانه به دنبال ضربه زدن به انسجام ملی کشور هستند.

در رابطه با جامعه مدنی باید گفت نظریه‌پردازان جامعه مدنی را به صورت مجموعه انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه خارج از محدوده بازار و دولت تعریف می‌کنند. این تعریف قرابت زیادی با تعریف بخش سوم دارد که عبارت است از «سازمان‌های خصوصی که توسط گروه‌هایی از مردم شکل گرفته و مدیریت می‌شوند که به شکل داوطلبانه و بدون سود شخصی عمل کرده و هدفشان خیر رساندن به خودشان یا دیگران است». افراد از طریق جامعه مدنی یا به عبارت دقیقتر بخش سوم می‌توانند شبکه‌های ارتباطی ایجاد کنند و آنها را پایدار نگهدارند. همچنین، اینگونه انجمن‌های داوطلبانه هستند که با توسل به ساختاری غیررسمی و انعطاف‌پذیر، مردم را به هم ارتباط داده، اعتماد و عمل متقابل را گسترش می‌دهند و جامعه را با دیگر دوستی بدون اجبار استحکام می‌بخشند. چنین گستره‌ای از فعالیت‌ها، خدمات و انجمن‌های ناشی از جامعه مدنی منابعی از سرمایه اجتماعی هستند و به عنوان یک پیشران باعث تأثیرگذاری بر آن می‌شوند. در اینجا جامعه مدنی در تولید سرمایه اجتماعی دخیل است.

دولت نیز از جهتی نقطه مقابل جامعه مدنی محسوب می‌شود؛ به طوری که می‌توان گفت گسترده بودن دولت باعث ضعف حوزه عمومی و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. البته باید توجه داشت که دولت با انجام برنامه‌ریزی مناسب و توجه به

بسترهای جامعه می‌تواند فعال کردن بیشتر نهادهای مدنی و سمن‌ها در گسترش سرمایه اجتماعی نقش داشته باشد. دولت نه فقط باید پیامدهای اقداماتش بر سرمایه اجتماعی را ارزیابی کند، بلکه لازم است همواره محیط اجتماعی اعتمادآوری را فراهم آورد که اعتمادپذیری، تمایل به حفظ قول و قرارها، تمایل به همکاری و همیاری و واردشدن در شبکه‌های اجتماعی را برای اعضای جامعه سودمند و معنادار سازد. دولت از یک سو می‌تواند از طریق بهسازی فردی، اجتماعی و نهادی و نیز تدارک محیط اجتماعی اعتمادزا، زمینه تولید سرمایه اجتماعی را فراهم آورد و از سوی دیگر، با تضعیف منابع سازنده سرمایه اجتماعی به تخریب آن کمک کند. در پایان باید اشاره کرد مهمترین اقداماتی که توسط دولت‌ها می‌تواند برای تقویت سرمایه اجتماعی انجام شود عبارتند از: تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی، تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی، تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی، پرهیز از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین آحاد مختلف مردم.

۵. پیش‌بینی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران در افق ۱۴۱۴

سرمایه اجتماعی، قدرت و توان زایدالوصفی است که از آمادگی روحی- روانی آحاد یک جامعه برای درگذشتن از منافع شخصی و درگیر شدن در عمل جمعی پدید می‌آید. به بیان دیگر، ثروت و دارایی نهفته‌ای است که به شکل بالقوه در تمامی جوامع انسانی وجود دارد و برای شکوفا شدن و به فعلیت درآمدن، نیاز به گرد آمدن عواملی چند و تحقق شرایطی ویژه دارد که به ندرت و دشواری فراهم می‌آید؛ اما چنانچه در هنگام فوران، به موقع مورد شناسایی قرار گیرد و به درستی هدایت شود، می‌تواند باعث تحولی شگرف و توسعه کیفی شتابان گردد. در غیر این صورت، کاهش سرمایه اجتماعی و عدم توجه به آن در یک جامعه باعث بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله افزایش جرم در جامعه خواهد شد که خود این آسیب‌ها، تاثیرات منفی زیادی بر سلامت جامعه خواهند گذاشت و روند پیشرفت، توسعه و ترقی جامعه را با اختلالات زیادی روبرو خواهند ساخت.

سرمایه اجتماعی علی‌رغم اینکه زود از بین می‌رود، به تدریج شکل می‌گیرد. نتیجه برخی تحقیقات نشان می‌دهد که سیاست‌های توسعه‌ای در ایران، به تخریب سرمایه اجتماعی منجر شده است. ولی در کشورهای توسعه‌یافته، بین توسعه و شاخص‌های سرمایه اجتماعی همبستگی وجود دارد، یعنی در جایی که توسعه‌یافته‌تر است، سرمایه اجتماعی بالاتری هم وجود دارد.

تحقیقات نشان‌دهنده سطح به ظاهر نازل «سرمایه اجتماعی» در کشور است. این میزان از فرسایش و نابودی سرمایه اجتماعی به شکلی است که به نظر می‌رسد افزایش میزان جرم در جامعه طی سال‌های اخیر تاحدی ناشی از تضعیف مناسبات بین گروهی افراد بوده، و مشکلات زیادی را برای جامعه فراهم آورده است (شارع‌پور، ۱۳۸۰ : ۱۰۹). می‌توان گفت بروز مسائل اجتماعی و روند افزایشی آن ناشی از افت سطح سرمایه اجتماعی در کل جامعه و یا دست کم در گروه‌های خاصی از آن می‌باشد. همچنین

با توجه به اهمیت خانواده در ایران، در اینجا روابط و پیوندهای درون و بین خانواده، فراهم‌کننده سرمایه اجتماعی برای اعضاء خواهد بود. در واقع خانواده می‌تواند یک منبع مهمی از کنترل اجتماعی غیررسمی و انباشت سرمایه اجتماعی در بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد (مبارکی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). در حالی که با کاهش بُعد خانوار که آخرین سرشماری نشانگر کاهش چشمگیر آن بوده است، از این قدرت کنترلی نیز کاسته خواهد شد. در نتیجه جامعه ممکن است به سمت افزایش آسیب‌های اجتماعی پیش رود.

با این اوصاف اگر جایگزینی برای سرمایه اجتماعی فرسوده شده فعلی پیدا نکنیم، شاهد افزایش بی‌هنجاری و هنجارگریزی در سطح جامعه خواهیم بود. همچنین باید توجه داشت که راه حل این موضوع نیز در خانواده نیست، زیرا بُعد خانوار در حال کاهش است. بنابراین با توجه به اهمیت وافر سرمایه اجتماعی برای فرد و جامعه لازم است سرمایه‌گذاری‌های جدیدی برای تأمین سرمایه اجتماعی جهت نسل آتی صورت بپذیرد.

۳. مهمترین چالش‌های دفاعی - امنیتی سرمایه اجتماعی در ایران در افق ۱۴۱۴

برای چیدن سناریوهایی جهت بهبود وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور، باید بتوانیم روندهای آتی در این زمینه را دقیق‌تر پیش‌بینی کنیم. قدر مسلم اینکه قضاوت در مورد میزان سرمایه اجتماعی و شناسایی روند آن در آینده نیاز به مطالعات نظری و تجربی بیشتر بخصوص با استفاده از طرح‌های تحقیق طولی و در سطح ملی دارد. چنین نیازی در کشور ما با توجه به تحولات اجتماعی و سیاسی موجود بسیار محسوس است.

در مجموع می‌توان چند راهکار برای ایجاد، حفظ و ارتقاء سرمایه اجتماعی در ایران ارائه نمود. ارزش‌هایی چون درستکاری، صداقت، وفای به عهد، انصاف و عدالت ارزش‌های اعتمادآفرین هستند و وجود آنها در شبکه‌های اجتماعی بستر ایجاد سرمایه اجتماعی است. لذا به فعلیت در آوردن این ارزش‌ها که در فرهنگ مردم ایران، جایگاه ویژه‌ای دارد، برای دستیابی به اعتماد به عنوان یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی ضروری است. آزادی فعالیت‌های مدنی در قالب شکل‌گیری نهادهای مدنی فعال و مستقل از دولت و حجیم نبودن دولت نیز مقوم و محرک مشارکت عمومی به عنوان عنصر مهم دیگر سرمایه اجتماعی است. عملکرد سازمان‌های دولتی نیز از راه‌های مختلف می‌تواند به ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی یاری رساند. امروزه سازمان‌های دولتی باید به فعالیت‌هایی دست بزنند که مورد قبول جامعه و منطق با ارزش‌های آن باشد. آن دسته از دستگاه‌های دولتی که نتوانند خود را با این مهم تطبیق دهند، در عرصه عمل موفق نخواهند بود. به عبارت دیگر، اگر سازمان‌ها بخواهند جایگاه خود را در جامعه حفظ کرده و به نحوی عمل کنند که باعث بقا، توسعه و موفقیت‌شان شود، لازم است تعهدات خود را نسبت به

شهروندان (ارباب رجوع) به درستی ایفا کنند. بدیهی است اگر شهروندان از سازمان‌های دولتی سلب اعتماد کنند، در یک فضای بی‌اعتمادی (فقیر شدن جامعه از جهت سرمایه اجتماعی) هم سازمان‌ها و هم شهروندان متضرر شده و خسارت خواهند دید. بنگاه‌های دولتی وقتی بخواهند وظایفی را که بهتر است به جامعه مدنی سپرده شود، در دست گیرند، سرمایه اجتماعی را تهی می‌کنند. بنابراین، نخستین اصل برنامه‌ریزی اجتماعی این است که آسیبی به سرمایه اجتماعی وارد نکنند. یعنی بنگاه‌های دولتی باید مصممانه آن اقدامات و فعالیت‌هایی را انجام دهند، که از عهده آنها برمی‌آیند. در عین حال، این سازمان‌ها باید وظایفی را به جامعه مدنی بسپارند که نهادهای کوچکتر و کمتر متمرکز می‌توانند اجرا کنند. سازمان‌های دولتی باید در جهت کنش‌های مثبت با اجرای مستمر و خوب با کارکردهایی آغاز کنند که دقیقاً متناسب با وظایف آنها است. فقط در این صورت است که می‌توان به تولید سرمایه اجتماعی توسط سازمان‌های دولتی امیدوار بود.

برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که در ایران نیازمند سرمایه اجتماعی برون‌گروهی هستیم تا روابط بین افراد تقویت شود. به عقیده آنها سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در ایران وجود دارد و مصادیق آن پیوندهای خانوادگی، قومی، عشیره‌ای و هیأت‌های خودجوش مذهبی است. در مواقع اضطرار چون سیل و زلزله ایرانیان برای یاری به هم‌نوعان خود نقش‌آفرینی می‌نمایند. مشکل اینجاست که در شرایطی غیر از مواقع اضطراری و یا خاص، سرمایه اجتماعی در جامعه کمرنگ شده و در بسیاری از موارد دیده نمی‌شود. به بیان دیگر در ایران شکل مدنی سرمایه اجتماعی به صورتی کمرنگ به چشم می‌خورد.

در ایران مفهوم همکاری گروهی و سرمایه اجتماعی، در روابط اجتماعی شناخته‌شده نیست و مردم به یکدیگر اعتماد کافی ندارند. میزان اعتماد افراد در درون خانواده‌ها و آشنایان بیشتر از میزان اعتماد آنها به نهادها و ارگانهای دولتی است. علاوه بر آن میزان مشارکت غیررسمی افراد در کارها، مثل شرکت در انجمن‌های خیریه و هیأت‌های مذهبی و دید و بازدیدها بیشتر از میزان مشارکت رسمی افراد در کارهایی مثل شرکت در انتخابات مختلف، برعهده گرفتن مسئولیت رسمی و ... است.

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی یک ویژگی فطری ژنتیکی نیست، بلکه پدیده‌ای برخاسته از تجارب تاریخی مردم است و لذا همواره در معرض تغییر قرار دارد. شناسایی میزان و روند سرمایه اجتماعی در میان مردم یک کشور می‌تواند به شناسایی روند تحولات فرهنگی و اجتماعی آن جامعه کمک زیادی بکند. در مورد رابطه سرمایه اجتماعی با سایر متغیرها باید گفت که مشارکت سیاسی و عضویت داوطلبانه در سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌های داوطلبانه از جمله پیامدهایی هستند که می‌توان انتظار داشت در شرایط وجود سرمایه اجتماعی بالا، زمینه مناسب‌تری برای تحقق پیدا کنند.

سرمایه اجتماعی به زعم گروهی به معنای «هنجارها و شبکه‌هایی که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی به منظور کسب سود متقابل را فراهم می‌کند» است. برخی دیگر از صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از روابط، تعاملات و شبکه‌های اجتماعی که در میان افراد و گروه‌های اجتماعی وجود داشته و موجب گرمی روابط اجتماعی و تسهیل کنش اجتماعی می‌شود تعریف نموده‌اند. گروهی آن را مجموعه‌ای از مناسبات اجتماعی و فضیلت‌های اخلاقی همساز با تحولات توسعه‌ای دانسته‌اند که هم تحت تأثیر عملکرد اقتصادی و هم تحت تأثیر عملکرد سیاسی و ساخت قدرت و حکمرانی متناسب با آن است و در عین حال بر این دو نیز تأثیر متقابل می‌گذارد.

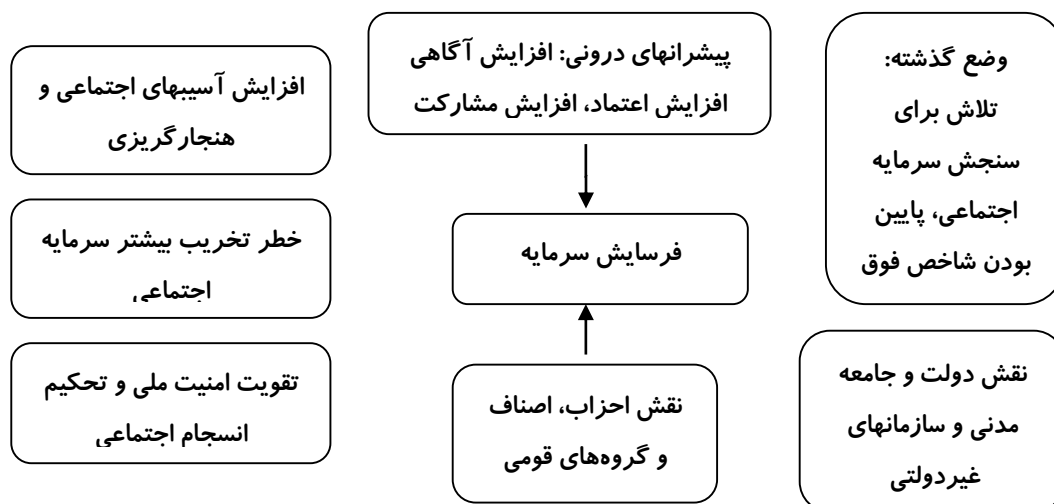
در نهایت با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، لازم است برنامه‌های مختلفی از طرف دولت به منظور افزایش و ذخیره این سرمایه انجام گیرد. برخی از این اقدامات عبارتند از:

۱. تشویق و تقویت نهادهای اجتماعی، صنفی، حرفه‌ای و تشویق به ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی از راه‌حل‌های ساختاری برای افزایش سرمایه اجتماعی است. افراد در قالب نهادهای اجتماعی دارای هویت مشترک گردیده و زمینه ایجاد همکاری‌های گروهی در آنان ایجاد می‌شود و نتیجه فعالیت‌های گروهی موفق، شبکه‌های اعتماد است.
۲. تقویت مؤلفه‌های فرهنگی نظیر احساس هویت جمعی و سازمانی مشترک، احساس تعلق به آینده‌ای مشترک و مدیران با ایجاد نظام‌های مشارکتی و توجه به سمبل‌های فرهنگی و ایفای مناسب نقش رهبری، می‌توانند در جهت غنی‌سازی فرهنگ سازمانی گام بردارند.
۳. تأمین امنیت شهروندان برای حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی.
۴. پرهیز دولت از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها. در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی برای ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین آحاد مختلف مردم، باید بین سه عنصر متخاصم در جامعه یعنی دولت، اجتماع و بازار (جامعه مدنی) وحدت و تعادل و رابطه سالم ایجاد شود و می‌بایست کالاهای فرهنگی تولید کرد که سرمایه اجتماعی برون گروهی را تقویت کند.

در پایان باید اشاره کرد که روند فعلی سرمایه اجتماعی نقش مهمی در جهت ایجاد ثبات و نظم در کشور و ایجاد امنیت ملی و تقویت انسجام اجتماعی جامعه خواهد داشت. به طوری که کاهش فزاینده سرمایه اجتماعی می‌تواند امنیت جامعه را با خطر مواجه کرده و باعث برهم خوردن ثبات و نظم اجتماعی گردد.

در واقع پرسش این است که سرمایه اجتماعی چه سهمی در تدارک امنیت ملی پایدار دارد و مکانیسم نقش‌آفرینی آن چگونه است. نظم اجتماعی و امنیت ملی، حاصل رضایت‌مندی شهروندان و گروه‌هاست و این رضایت‌مندی در گرو وجود شبکه‌های اجتماعی نیرومند و برآمده از فرآیند مستمر، نهادمند و برخاسته از بطن جامعه است که می‌توان آنها را در چهره سرمایه اجتماعی قوی مجسم کرد. سرمایه اجتماعی، به شیوه‌های مختلف، از جمله افزایش یکپارچگی ملی، تسهیل مدیریت دشواری‌های سیاسی-اقتصادی، پیش‌گیری از انفعال سیاسی-اجتماعی، ارتقاء ظرفیت نظام سیاسی، تثبیت و ارتقای هویت ملی و تعمیق اعتماد، در پایداری امنیت ملی، نقش مستقیم دارد. بنابراین لازم است راهکارهای فوق‌الذکر جهت ارتقای سرمایه اجتماعی به صورت جدی‌تر پیگیری شود تا از اثرات منفی فرسایش سرمایه اجتماعی جلوگیری به عمل آید.

در پایان در قالب مدل مفهومی زیر می‌توان روندها، چالش‌ها و پیشران‌های سرمایه اجتماعی را مشاهده نمود:



فهرست منابع

- ۱) امیری، میثم؛ رحمانی، تیمور (۱۳۸۵)، بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهبی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران، مجله جستارهای اقتصادی، شماره ۶.
- ۲) بهزاد، داود (۱۳۸۱)، سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت روان، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶.
- ۳) بهزاد، داود (۱۳۸۲)، تحلیل نظری سرمایه اجتماعی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی.
- ۴) پورمحمدی، محمدرضا؛ حسین‌زاده دلیر، کریم؛ پیری، عیسی (۱۳۹۰)، تحلیلی بر دگرگونی کیفی سرمایه اجتماعی در تولید شهری نمونه، مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۳.
- ۵) پورموسوی، سید فتح‌الله (۱۳۸۱)، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی، مجله راهبرد، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۶.
- ۶) تاجبخش، کیان؛ ثقفی، مراد؛ کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی؛ بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز، مجله: رفاه اجتماعی، شماره ۱۰.
- ۷) ترک زاده، جعفر؛ محترم، معصومه (۱۳۹۱)، تدوین و ارائه الگویی یکپارچه از سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، مجله مطالعات مدیریت انتظامی، سال هفتم، شماره ۳.
- ۸) تشکر، زهرا؛ معینی، محمدرضا (۱۳۸۱)، نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۴.
- ۹) جوادی، زهره (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی و وضعیت ایران، سایت خبری تحلیلی اعتدال.
- ۱۰) حقیقتیان، منصور (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی؛ تعاریف و ابهامات، مجله علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، شماره ۱.
- ۱۱) سعادت، رحمان (۱۳۸۶)، برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران با استفاده از روش فازی، جهاد دانشگاهی.
- ۱۲) سیاهپوش، امیر (۱۳۸۷)، فراتحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران، مجله راهبرد فرهنگ، شماره ۳.
- ۱۳) سیاهپوش، امیر (۱۳۸۷)، فراتحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران، راهبرد فرهنگ، پاییز، دوره اول، شماره سوم.
- ۱۴) شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰)، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.
- ۱۵) شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی؛ مفاهیم اصلی و چهارچوب نظری، فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، سال اول، شماره ۲.
- ۱۶) شعبانی، احمد؛ سلیمانی، محمد (۱۳۸۹)، بررسی آثار فساد اداری بر سرمایه اجتماعی، مجله مهندسی فرهنگی، شماره ۴۷ و ۴۸.
- ۱۷) شیری، حامد؛ مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، کانون‌های فرهنگی هنری و توسعه سرمایه اجتماعی؛ بررسی میزان و اشکال سرمایه اجتماعی کانون‌های فرهنگی، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۰.
- ۱۸) غفاری، غلامرضا (۱۳۸۲)، سنجش سرمایه اجتماعی، نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی.
- ۱۹) فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام‌عباس توسلی، چاپ اول، تهران، نشر جامعه ایرانیان.
- ۲۰) فیلد، جان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، انتشارات کویر.
- ۲۱) کوهکن، علیرضا (۱۳۸۸)، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی، مجله راهبرد توسعه، شماره ۱۷.

- ۲۲) مبارکی، محمد (۱۳۸۳)، رابطه بین جرم و سرمایه اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۳) مقتدایی، زینب (۱۳۹۱)، نقش سرمایه اجتماعی در جامعه، سایت راسخون.
- ۲۴) ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱)، بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۵) نادمی، داوود (۱۳۹۰)، فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش انصاف اجتماعی در ایران، روزنامه اعتماد.
- ۲۶) نادمی، یونس (۱۳۹۲)، بررسی روند سرمایه اجتماعی در ایران، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۱۲۶، صفحه ۲۸، اندیشه اقتصاد.
- ۲۷) ناطق‌پور، محمد جواد؛ فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۵)، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل موثر بر آن، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۲۸.
- ۲۸) ناطق‌پور، محمد جواد؛ فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۵)، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل موثر بر آن، نامه علوم اجتماعی، پیاپی ۲۸.
- ۲۹) نوغانی، محسن؛ اصغرپور ماسوله، احمد رضا (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی، مجله فرآیند مدیریت و توسعه، شماره ۶۸ و ۶۹.
- 30)
- 31) Bailey, K. D. (1994), *Methods of Social Research*, New York: The Free Press.
- 32) Coleman, J. S. (1998). social capital in the creation of human capital. *American journal of sociology* s.95-1120
- 33) Daymon, C. & Holloway, I. (2005), *Qualitative Research Methods in Public Relations and Marketing Communications*, London & U.S. : Routledge.
- 34) Krisotakis & Gamaranikow, E (2004). what is social capital and how does it relate to health .*international journal of Nursing studies*.41:43-50
- 35) Lin, N. (2001). *Social capital: A theory of social structure and action* New York, Cambridge University Press.
- 36) McCulloch, G. (2005), *Documentary Research in Education, History and the Social Sciences*, London and New York: RoutledgeFalmer.
- 37) Narayan, Epa, (1998), "Global social capital survey". Prem, World Bank. 1-10
- 38) Rosenfeld, Richard, Messner, Steven F., Baumer, Eric P. (2001) "Social capital and homicide ". *social forces*. Vol .80, Issue 1:283-309
- 39) Spelleberg, Ann. (2001), *social policy; Framework for the measurement of social capital in New Zealand*. assisted by the social capital programme team.

Strategic analysis of social capital in Iran; Trends, security challenges and drivers

Behnam Lotfi Khachaki

Assistant professor, Department of Humanities and Social Science, University of Farhangian, Tehran, Iran (Corresponding author),
blotfi66@gmail.com

Abstract

Social capital is a relatively new concept in social sciences that was created to describe the social relationships of people and means a set of rules, norms, requirements, obligations and mutual trust in social relationships at the community level. The present article has analyzed the evolution of social capital in the country during the last 50 years, while examining the status of social capital in Iran and enumerating its dimensions and components, using the documentary research method. By introducing the most important factors affecting social capital in Iran during the last five decades, this research has shown that increasing awareness, increasing trust and increasing participation are important factors in creating social capital and improving it in the form of drivers in Iran. Enumerating the causes of social capital weakness in Iran is another part of this research. In the end, along with the prediction of the social capital situation in Iran in the horizon of 1414, the most important challenges to reach a favorable situation in this area in the mentioned horizon have been discussed with an emphasis on defense and security aspects.

Keywords: social capital, challenges, strategic analysis, security.